



## تحلیلی پیکره‌ای از ساختار گفتمانی چکیده‌های پایان‌نامه‌های فارسی در برخی رشته‌های علوم انسانی، فنی‌مهندسی و علوم پایه\*

رامین گلشائی<sup>۱</sup>\*

### چکیده

هدف از این پژوهش، تحلیل ساختار گفتمانی چکیده‌ی پایان‌نامه‌های فارسی در رشته‌های مختلف، تعیین حرکت‌های بلاغی آنها و به‌دست‌دادن تشابهات/تمایزات آنهاست. برای این منظور، سه شاخه‌ی علمی علوم انسانی، فنی‌مهندسی و علوم پایه تعیین و از هر شاخه نیز دو رشته‌ی نماینده برای تحلیل چکیده‌هایشان انتخاب شدند. رشته‌های نماینده عبارتند از: شیمی و فیزیک برای شاخه‌ی علوم پایه، مهندسی برق و مکانیک برای شاخه‌ی فنی‌مهندسی و فلسفه و زبان‌شناسی برای شاخه‌ی علوم انسانی. برای هر کدام از ۶ رشته، ۴۰ چکیده از پایگاه گنج پژوهشگاه ایرانداک جمع‌آوری و ساختار گفتمانی آنها در قالب حرکت‌های بلاغی و مدل پنج‌حرکتی هایلند کدگذاری شد. در مرحله‌ی بعد، حرکت‌های بلاغی هر کدام از رشته‌ها تحلیل و الگوی کلان برای شاخه‌های علمی به‌دست آمد. نتایج پژوهش نشان الگوی غالب برای اکثر رشته‌ها الگوی مقدمه-هدف-روش-نتایج (I-P-M-Pr) و هدف-روش-نتایج (P-M-Pr) است و در این میان دو رشته‌ی فلسفه و شیمی تفاوت‌هایی با دیگر رشته‌ها دارند.

**کلیدواژه‌ها:** حرکت بلاغی، پایان‌نامه‌ها، چکیده، تحلیل پیکره‌ای، مدل هایلند

\*. این پژوهش با حمایت مالی پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) انجام شده است.

✉ | golshaie@alzahra.ac.ir

۱- استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه الزهرا

## ۱- مقدمه

با پیشرفتی که در نیم قرن گذشته در حوزه‌ی رایانه و علوم ارتباطات شکل گرفته، روزانه حجم وسیعی از اطلاعات تولید می‌شوند که نیاز به پردازش، سازماندهی و بازیابی دارند. در نهادهای علمی و دانشگاهی، این اطلاعات عموماً به صورت نوشتجات و مدارک علمی، پایان‌نامه، مقاله و غیره وجود دارند که توسط پژوهشگران و دانشگاهیان مورد مطالعه و استفاده واقع می‌شوند. با توجه به محدودیت‌های پردازشی و شناختی که انسان‌ها دارند، یافتن اطلاعات مورد نظر و مرتبط از میان انبوه اطلاعات علمی، اهمیت ویژه‌ای دارد. چکیده‌ها در این میان نقشی مهمی را در دسترسی افراد به اطلاعات مورد نظرشان ایفا می‌کنند و این امکان را فراهم می‌کنند تا فرد بدون نیاز به مطالعه‌ی کل متن، در کمترین زمان ممکن تصویری کلی از مهمترین بخش‌های متن به دست آورد.

با توجه به اهمیت چکیده‌ها در ارائه‌ی خلاصه‌ای از مهم‌ترین بخش‌های مدارک علمی، شیوه‌ی بازنمایی اطلاعات در آنها موضوع بسیاری از پژوهش‌های زبان‌شناختی واقع شده است. یکی از این رویکردها به تحلیل بازنمایی اطلاعات در چکیده‌ها، تحلیل گفتمانی و نقشی عناصر زبانی در چکیده‌هاست. در این رویکرد، جملات تشکیل‌دهنده‌ی چکیده به لحاظ گفتمانی به ساختارهای بلاغی معینی تقسیم‌بندی می‌شوند که به آنها در اصطلاح «حرکت‌های بلاغی»<sup>۱</sup> گفته می‌شود. پژوهش‌های انجام‌شده در باب ساختار بلاغی چکیده‌های علمی در زبان انگلیسی همچنین حاکی از این است که رشته‌های مختلف علمی در نگارش چکیده دارای تنوع گفتمانی هستند. این بدان معناست که رشته‌های مختلف علمی، اطلاعات موجود در مدارک علمی را به شیوه‌های مختلفی بازنمایی و ارائه می‌کنند.

با توسعه‌ی علوم و فناوری اطلاعات در ایران، ذخیره‌سازی و بازیابی اطلاعات علمی فارسی عمده‌تاً به صورت رایانه‌ای انجام می‌شود. این در حالی است که تصویر روشنی از شیوه‌ی بازنمایی اطلاعات علمی در چکیده‌های فارسی وجود ندارد. آنچه موجود است، عموماً دستورالعمل‌هایی کلی درباره‌ی شیوه‌ی نگارش چکیده‌هاست. در این پژوهش، برآنیم تا ساختار گفتمانی چکیده‌ی پایان‌نامه‌های فارسی را در رشته‌های مختلف بررسی کنیم. نتایج این پژوهش می‌تواند تصویری روشن از ساختار چکیده‌های فارسی و تشابهات و تمایزات چکیده‌ها در شاخه‌های مختلف علمی به دست دهد. از این نتایج می‌توان در تدوین دستورالعمل‌های تخصصی چکیده‌نویسی برای پژوهشگران داخلی و فارسی‌آموزان خارجی، ذخیره‌ی سازمان‌یافته‌ی اطلاعات چکیده‌ها در پایگاه‌های داده و همچنین سامانه‌های چکیده‌سازی خودکار استفاده کرد. این پژوهش مشخصاً به دنبال پاسخگویی به این پرسش‌هاست: ۱. حرکت‌های بلاغی در چکیده‌ی پایان‌نامه‌های رشته‌های علوم انسانی، فنی و علوم پایه کدام‌اند؟ ۲. ساختار بلاغی چکیده‌ی پایان‌نامه‌ها در رشته‌های علوم انسانی، فنی و علوم پایه دارای کدام مؤلفه‌های مشترک و متمایزاند؟

برای انجام پژوهش، سه شاخه‌ی علمی علوم انسانی، فنی‌مهندسی و علوم پایه تعیین و از هر شاخه نیز دو رشته‌ی نماینده برای تحلیل چکیده‌هایشان انتخاب شدند. رشته‌های نماینده عبارتند از: شیمی و فیزیک برای شاخه‌ی علوم پایه، مهندسی برق و مکانیک برای شاخه‌ی فنی‌مهندسی و فلسفه و زبان‌شناسی برای شاخه‌ی علوم انسانی. برای هر کدام از ۶ رشته، ۴۰ چکیده از پایگاه گنج پژوهشگاه ایرانداک جمع‌آوری و ساختار گفتمانی آنها در قالب حرکت‌های بلاغی کدگذاری شد. سپس در مرحله‌ی بعد، حرکت‌های بلاغی هر کدام از رشته‌ها تحلیل و الگوی کلان برای شاخه‌های علمی به‌دست داده شد.

## ۲- پیشینه‌ی پژوهش

پژوهش‌های صورت‌گرفته در باب ساختار گفتمانی چکیده‌های علمی، عمدتاً به دو صورت درون‌رشته‌ای و بین‌رشته‌ای انجام گرفته است. برخی پژوهش‌های شاخص در این دو حوزه عبارتند از: سانتوز<sup>۱</sup> (۱۹۹۶)؛ هایلند<sup>۲</sup> (۲۰۰۰)؛ لورس<sup>۳</sup> (۲۰۰۴)؛ و پو<sup>۴</sup> (۲۰۰۸). همچنین پژوهش‌های مختلف به تحلیل حرکت گفتمانی در بخش‌های مختلف مدارک علمی توجه نشان داده‌اند. مثلاً برخی پژوهش‌ها به بخش مقدمه‌ی مقالات پژوهشی (سویلز<sup>۵</sup>، ۱۹۹۰)، برخی دیگر به بخش نتایج (بروس<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹) و برخی دیگر به کل متن مقالات (مثلاً تسوتو<sup>۷</sup> (۲۰۱۵)) توجه نشان داده‌اند.

در مطالعات درون‌شاخه‌ای، پژوهشگران به دنبال شباهت‌ها و تفاوت‌های ساختار گفتمانی چکیده‌ها در رشته‌های نزدیک به هم و مرتبط بوده‌اند (مثلاً قاسمی و علوی (۲۰۱۴)). برای نمونه، در یکی از پژوهش‌ها (ماسوانا<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۱۵)، پژوهشگران به بررسی حرکت‌های بلاغی کل ساختار مقالات پژوهشی در ۵ رشته فنی‌مهندسی شامل مهندسی سازه، مهندسی محیط زیست، مهندسی برق، مهندسی شیمی و علوم کامپیوتر پرداخته‌اند. نتایج آنها نشان داد که بخش‌های چکیده، مقدمه و نتیجه‌گیری و برخی از حرکت‌های بلاغی این بخش‌ها در تمام زیربخش‌ها متداول بوده‌اند. پژوهشگران هیچ الگوی حرکتی مشترکی بین این رشته‌ها نیافتند.

در پژوهشی دیگر (سونتارا و اوساها<sup>۹</sup>، ۲۰۱۳)، محققان به بررسی چکیده‌ها در دو رشته‌ی زبان‌شناسی و زبان‌شناسی کاربردی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهشگران حاکی از آن بوده که چکیده‌های زبان‌شناسی دارای ۳

- 
1. Santos
  2. Hyland
  3. Lores
  4. Pho
  5. Swales
  6. Bruce
  7. Tessuto
  8. Maswana
  9. Suntara and Usaha

حرکت متداول، یعنی «هدف»، «روش‌شناسی» و «نتایج» بوده‌اند در حالی که چکیده‌های زبان‌شناسی کاربردی دارای ۴ حرکت متداول یعنی «هدف»، «روش‌شناسی»، «نتایج» و «نتیجه‌گیری» بوده‌اند. در حالی که پژوهش فوق به وجود برخی تفاوت‌ها در چکیده‌های دو رشته‌ی مرتبط زبان‌شناسی و زبان‌شناسی کاربردی اشاره دارد، برخی پژوهش‌ها نیز نشان داده است که بین چکیده‌های رشته‌های مرتبط تمایز چندانی وجود ندارد. برای نمونه، در مقایسه‌ی چکیده‌های مقالات علمی دو رشته‌ی هوش مصنوعی و معماری (رایانه) که از زیرشاخه‌های علوم رایانه هستند، مشاهده شده است که چکیده‌های هر دو رشته دارای ۴ حرکت بلاغی متداول و ۱ حرکت اختیاری هستند (اسفندیاری، ۲۰۱۴).

دسته‌ی دیگری از پژوهش‌ها در این حوزه، به مقایسه‌ی ساختار گفتمانی چکیده‌ها در شاخه‌های علمی متفاوت پرداخته‌اند. در پژوهشی که به مقایسه‌ی چکیده‌های مقالات علمی در دو رشته‌ی زبان‌شناسی کاربردی و علوم محیطی پرداخته (سایو و تنگکینگسیرین، ۲۰۱۴)، مشخص شده در هر دو رشته‌ی علمی چکیده‌ها دارای حرکت‌های متداول «هدف»، «روش»، «نتایج» و «نتیجه‌گیری» هستند و حرکت «مقدمه» در هر دو رشته حرکت اختیاری محسوب می‌شود. در پژوهشی دیگر، ساختار گفتمانی چکیده‌های دو رشته‌ی زبان‌شناسی کاربردی و ریاضی در دو زبان انگلیسی و فارسی مقایسه شده است (بهنام و گل‌پور، ۲۰۱۴). نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که چکیده‌های زبان‌شناسی کاربردی که توسط فارسی‌زبانان نوشته شده با چکیده‌های نوشته‌شده توسط انگلیسی‌زبانان به‌لحاظ ساختار گفتمانی مطابقت خوبی دارند. به این صورت که در هر دو زبان انگلیسی و فارسی، چکیده‌های زبان‌شناسی کاربردی دارای حرکت‌های متداول «هدف»، «روش»، «نتایج» و «نتیجه‌گیری» هستند و حرکت «مقدمه» در هر دو زبان به دلیل بسامد کم، حرکت اختیاری محسوب می‌شود. اما بررسی چکیده‌های ریاضی در دو زبان انگلیسی و فارسی حاکی از عدم تطابق الگوهای حرکتی است. در چکیده‌های ریاضی فارسی‌زبانان حرکت‌های «مقدمه» و «هدف» اختیاری هستند، اما در چکیده‌های انگلیسی‌زبانان حرکت‌های «مقدمه»، «نتایج» و «نتیجه‌گیری» اختیاری هستند.

دسته‌ی دیگری از پژوهش‌ها در زبان فارسی به بررسی میزان انطباق چکیده‌های نوشته‌شده در اسناد علمی فارسی با استاندارد چکیده‌نویسی ایزو ۲۱۴ اختصاص دارد. استاندارد ایزو ۲۱۴ که توسط سازمان بین‌المللی استانداردسازی تهیه‌شده، دستورالعمل‌هایی را برای آماده‌سازی و ارائه‌ی چکیده‌های اسناد ارائه می‌دهد. برای نمونه در پژوهشی که به بررسی میزان انطباق چکیده‌ی فارسی پایان‌نامه‌های دوره‌ی دکتری عمومی با استاندارد چکیده‌نویسی ایزو ۲۱۴ پرداخته شده (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۰)، در برخی موارد صوری نظیر نتایج پژوهش، اصول استاندارد رعایت شده و در برخی موارد محتوایی نظیر بیان هدف و بیان یافته‌ها، اصول استاندارد کمتر رعایت شده است. در مطالعه‌ی دیگری که بر روی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد رشته‌ی کتابداری دانشگاه آزاد واحد تهران شمال و علوم و تحقیقات طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۸۶ انجام گرفته (وزیرپور کشمیری و سه‌دهی، ۱۳۹۰)، رعایت اصول چکیده‌نویسی ایزو ۲۱۴ در حد قابل قبول ارزیابی شده و

در سال‌های متأخرتر بهبود معنی‌داری نسبت به سال‌های قبل‌تر به خود دیده است. در این پژوهش، چکیده‌ها به‌لحاظ داشتن یا نداشتن مؤلفه‌های «هدف»، «روش‌شناسی»، «بیان یافته‌ها»، «بیان نتایج» و همچنین مواردی نظیر جایگاه چکیده، اطلاعات اصلی در چکیده، کلیدواژه، شروع چکیده با جمله مبین موضوع، بیان ضمائر سوم شخص و پرهیز از کاربرد اختصارات بررسی شده‌اند.

در پژوهش فرقدان (۱۳۸۷)، بررسی چکیده‌ی مقالات فصلنامه‌ی «گنجینه‌ی اسناد» و تطبیق آن با استاندارد ایزو ۲۱۴ نشان داده که در گونه‌ی بخصوصی از چکیده‌ها (چکیده‌های تمام‌نما<sup>۱</sup>) رعایت استاندارد بیش از چکیده‌های گونه‌ی دیگر (چکیده‌ی راهنما<sup>۲</sup>) بوده است. به‌طور کلی در این پژوهش میزان تطبیق چکیده‌ها با استاندارد ایزو ۶۸/۵۱ به‌دست آمده است.

در عمده‌ی مطالعات صورت‌گرفته بر روی ساختار گفتمانی چکیده‌های علمی، عمدتاً دو موضوع بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است. موضوع اول اینکه اکثر مطالعات بر روی چکیده‌های مقالات علمی-پژوهشی صورت گرفته است. دوم اینکه اکثر پژوهش‌ها با تمرکز بر زبان انگلیسی بوده است. حتی در پژوهش‌هایی که توسط محققان ایرانی صورت گرفته، محوریت موضوع با چکیده‌های مقالاتی بوده که به زبان انگلیسی نوشته شده‌اند.

یکی از ویژگی‌های متمایز پژوهش حاضر این است که چکیده‌های علمی در زبان فارسی بررسی و مقایسه شوند. ویژگی دوم، بررسی چکیده‌های پایان‌نامه‌ها است. از آنجا که اکثر مطالعات پیشین به بررسی چکیده‌های مقالات علمی-پژوهشی متمرکز شده‌اند، بررسی چکیده‌های پایان‌نامه‌ها می‌تواند مکمل تحقیقاتی باشد که درباب چکیده‌های مقالات علمی صورت گرفته است. نتایج این پژوهش می‌تواند روشن سازد که در رشته‌های مختلف علمی، چکیده‌ها با چه ساختار گفتمانی سازماندهی می‌شوند. شناخت این الگوها می‌تواند در دو سطح هنجاری و توصیفی راهگشا باشد. در سطح هنجاری می‌توان از آن در تهیه‌ی دستورالعمل‌های چکیده‌نویسی تخصصی بهره جست. در سطح توصیفی نیز، می‌توان از اطلاعات این الگوها در سامانه‌های خودکار چکیده‌سازی استفاده کرد. در فصل بعد روش انجام پژوهش، داده‌ها و الگوی برچسب‌دهی داده‌ها معرفی خواهند شد.

### ۳- چارچوب نظری

برای توصیف ساختار یک ژانر عمدتاً ساختار بلاغی آن تحلیل می‌شود که خود این ساختار هم متشکل از واحدهایی به‌نام حرکت‌های بلاغی<sup>۳</sup> است. حرکت بلاغی عبارت است از «واحد گفتمانی یا بلاغی که کارکرد یا نقش ارتباطی منسجمی را در گفتمان نوشتاری یا گفتاری ایفا می‌کند» (سویلز، ۲۰۰۴). در چکیده‌های مکتوبات علمی، این نقش‌های گفتمانی غالباً از یکدیگر قابل تفکیک هستند. همان‌طور که پیشتر نیز اشاره

1. informative abstract
2. directive abstract
3. rhetorical moves

شد، برای نمونه، جملات آغازین یک چکیده معمولاً پیش‌زمینه‌ای از سابقه‌ی پژوهش به‌دست می‌دهد که نقش گفتمانی «مقدمه» را ایفا می‌کند. سایر بخش‌های یک چکیده‌ی علمی که حکم حرکت بلاغی را ایفا می‌کنند، می‌توانند «روش‌شناسی»، «نتایج تحلیل»، «جمع‌بندی» و غیره باشند. تعداد و نوع حرکت‌های بلاغی در چکیده‌های علمی متأثر از نظریه‌هایی است که نقش‌های گفتمانی را برای اجزای چکیده‌ها تعریف می‌کنند. در ادامه، مدل پنج‌حرکتی هایلند (هایلند، ۲۰۰۰) برای چکیده‌های علمی بررسی شده است.

### ۳-۱- مدل پنج‌حرکتی ساختار چکیده

مدلی که در توصیف ساختار بلاغی چکیده‌ها استفاده شده، مدلی پنج‌حرکتی است که توسط هایلند (۲۰۰۰) ارائه شده است. حرکت‌های مدل هایلند و توصیف آنها به‌صورت زیر است:

- حرکت ۱: مقدمه

بافت زمینه‌ای مقاله و انگیزه‌ی پژوهش را بیان می‌کند.

- حرکت ۲: هدف

هدف از انجام پژوهش را بیان می‌کند.

- حرکت ۳: روش

اطلاعاتی در باب طرح پژوهش، روال انجام آن، تحلیل داده‌ها و غیره به‌دست می‌دهد.

- حرکت ۴: نتایج

نتایج و استدلال‌های صورت‌گرفته را به‌دست می‌دهد.

- حرکت ۵: نتیجه‌گیری

به کاربردها یا پیامدهای بلندمدت و تفاسیر نتایج مقاله می‌پردازد.

در مدل هایلند حرکت «مقدمه» از حرکت «هدف» متمایز شده است. تفاوت ظریف بین «مقدمه» و «هدف» در یک چکیده این است که «مقدمه» به بافت پژوهش و ضرورت آن اشاره دارد، اما «هدف» به بیان هدف یا اهداف پژوهشگر از انجام پژوهش می‌پردازد. در مرور پژوهش‌های پیشین، مشاهده می‌شود که مدل هایلند با متمایز کردن ۵ حرکت بلاغی از یکدیگر، مدل محبوب‌تری نسبت به مدل‌های دیگر محسوب می‌شود.

مدلی که در این پژوهش برای تحلیل و برچسب‌زنی داده‌ها مورد استفاده قرار گرفته، الگوی پنج‌حرکتی هایلند (۲۰۰۰) است. این الگو در اکثر مطالعات مربوط به تحلیل ساختار بلاغی چکیده‌ها به کار رفته و تفکیک پر جزئیات‌تری نسبت به الگوهای چهارحرکتی (باتیا، ۱۹۹۴) به‌دست می‌دهد. الگوی هایلند ۵ حرکت بلاغی را در چکیده‌های مقالات علمی از یکدیگر متمایز می‌کند که عنوان حرکت، نماد و نقش آنها در جدول ۱ آمده است.

## جدول ۱: الگوی حرکات بلاغی هایلند (۲۰۰۰)

نقش	نماد	حرکت
زمینه و بافت پژوهش را ترسیم می‌کند و انگیزه‌ی پژوهش را بیان می‌کند.	I	مقدمه
هدف از انجام پژوهش را بیان می‌کند.	P	هدف
اطلاعاتی در مورد طرح پژوهش، روال انجام آن، شیوه‌ی تحلیل داده‌ها و غیره می‌دهد.	M	روش
نتایج به‌دست‌آمده و استدلال‌های معطوف به آنها را بیان می‌کند.	Pr	نتایج
به کاربردهای پژوهش یا پیامدهای آتی آن اشاره می‌کند یا نتایج پژوهش را تفسیر می‌کند.	C	نتیجه‌گیری

جدول ۱ بخش‌های مختلف یک چکیده‌ی کامل را نشان می‌دهد. اما آنچه در عمل مشاهده می‌شود این است که چکیده‌ها از همه‌ی این بخش‌ها برخوردار نیستند. وجود یا عدم وجود این حرکت‌ها و فراوانی آنها بسته به اینکه چکیده متعلق به کدام حوزه‌ی علم است، می‌تواند متفاوت باشد. در متن زیر که برگرفته از داده‌های پژوهش و متعلق به رشته‌ی فیزیک است، همه‌ی بخش‌های ترسیم‌شده توسط هایلند (۲۰۰۰) را می‌توان مشاهده کرد:

<I> پیشرفت روز افزون فناوری منجر به افزایش استفاده از میدان‌های الکتریکی در محدوده گیگاهرتز شده است. این میدان‌ها می‌توانند با ذره‌های قطبی و باردار برهم کنش داشته باشند. از آنجا که بدن موجودهای زنده از سلول، که متشکل از مولکول‌های باردار و قطبی است، تشکیل شده است امکان برهم کنش این میدان‌ها با بدن موجودهای زنده وجود دارد. از آنجا که این برهم کنش‌ها می‌تواند پیامدهای خوب یا بدی از جمله درمان یا بروز بیماری به همراه داشته باشد بررسی آنها ضروری به نظر می‌رسد. از جمله اثرهای مضر این گونه برهم کنش‌ها می‌توان به سرطانی شدن سلول اشاره کرد. یکی از تفاوت‌های بارز سلول‌های سرطانی با سلول‌های طبیعی در مرحله‌ی تقسیم سلول نمایان می‌شود. با توجه به اینکه میکروتوبول‌ها، که از جمله اجزای تشکیل دهنده اسکلت سلول هستند، نقش اساسی در این مرحله بازی می‌کنند، مطالعه ویژگی مکانیکی آنها تحت تأثیر میدان الکتریکی مورد توجه قرار می‌گیرد. <P> بدین منظور در این پایان‌نامه به مطالعه اثر میدان الکتریکی بر ویژگی‌های مکانیکی میکروتوبول پرداخته شده است. <M> برای این منظور دو دستگاه شامل دو دوپار با جهت‌گیری مشابه، دستگاه N، و جهت‌گیری مخالف، دستگاه S، تعریف شدند. شبیه‌سازی‌های کلاسیکی با استفاده از نرم‌افزار محاسباتی گرومکس، که بر پایه روش دینامیک مولکولی است، به منظور بررسی برهم کنش میدان با این دستگاه‌ها انجام شدند. <Pr> نتیجه‌های به‌دست آمده نشان دادند که وجود میدان در برخی از بسامدها موجب نرم‌تر شدن این دستگاه‌ها و در نتیجه کاهش مدول یانگ آنها می‌شود. این در حالی است که اعمال میدان در برخی بسامدها موجب سخت‌تر شدن میکروتوبول و افزایش مدول یانگ مربوط به آن می‌شود. <C> تغییر ویژگی‌های مکانیکی میکروتوبول می‌تواند به‌عنوان عاملی برای سرطانی شدن سلول و یا راهکاری برای از بین بردن سلول‌های سرطانی به کار روند.

## ۴- روش پژوهش

### ۴-۱- پیکره‌ی داده‌ها

پیکره‌ی داده‌های پژوهش متشکل از ۴۰ چکیده از ۶ رشته‌ی علمی است که در مجموع ۲۴۰ چکیده را در بر می‌گیرد. این ۶ رشته شامل رشته‌های زبان‌شناسی و فلسفه (از شاخه‌ی علوم انسانی)، فیزیک و شیمی (از شاخه‌ی علوم پایه) و مهندسی برق و مکانیک (از شاخه‌ی فنی مهندسی) است.

چکیده‌ها هم شامل چکیده‌های پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و هم شامل چکیده‌های رساله‌های دکتری می‌شود که به ترتیب زمانی از جدیدترین پایان‌نامه‌ها در سال ۱۳۹۵ تا سال‌های قبل را شامل می‌شود. پایگاهی که چکیده‌ها از آن گزینش شده‌اند، پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج)<sup>۱</sup> که از طریق آن دسترسی به پایان‌نامه‌های کشور فراهم است.

### ۴-۲- آماده‌سازی و برچسب‌زنی داده‌ها

روال کار به این صورت بوده است که ابتدا فایل‌ی برای هر یک از ۶ رشته‌ی مورد تحلیل ایجاد شد. با استفاده از امکانات جستجوی سامانه‌ی گنج، جستجوی موضوعی با استفاده از نام هر رشته انجام گرفت. هنگام بررسی نتایج جستجو، ملاحظاتی در انتخاب چکیده اعمال شد. یکی از ملاحظات این بود که اطمینان حاصل شود چکیده‌ی انتخابی، نمونه‌ی عالی از موضوع رشته‌ی مورد نظر باشد. مثلاً در جستجوی واژه‌ی «شیمی» به‌منظور بازیابی پایان‌نامه‌های مرتبط با رشته‌ی شیمی، پایان‌نامه‌هایی نیز بازیابی شدند که در حوزه‌ی تدوین کتاب درسی و نحوه‌ی آموزش شیمی بودند. این موارد نمونه‌ی عالی رشته‌ی شیمی لحاظ نشده و از فهرست چکیده‌های منتخب کنار گذاشته شدند. ملاحظه‌ی دیگری که در انتخاب چکیده اعمال شد، گزینش چکیده از پایان‌نامه‌ها یا رساله‌هایی بود که در دانشگاه‌های تابعه‌ی وزارت علوم نگارش شده بودند. دلیل لحاظ این محدودیت، کاهش احتمال دخالت عوامل مربوط به تفاوت سبکی در اصول چکیده‌نویسی حاکم بر پایان‌نامه‌های وزارت علوم و دانشگاه آزاد اسلامی بوده است.

پس از گردآوری چکیده‌ها در فایل‌های مجزا، فرآیند برچسب‌زنی حرکت‌های بلاغی در چکیده‌ها آغاز شد. برای شناسایی حرکت‌های بلاغی در چکیده‌ها، دو روش پایین‌به‌بالا و بالا‌به‌پایین وجود دارد که مورد استفاده قرار می‌گیرد (آکلند<sup>۲</sup> ۲۰۰۹) به نقل از محمدی درآباد (۲۰۱۶). در روش بالا‌به‌پایین از محتوای چکیده و ساختار معنایی برای تعیین حرکت‌های بلاغی استفاده می‌شود. اما در روش پایین‌به‌بالا از نشانگرهای زبانی برای تعیین حرکت‌ها استفاده می‌شود. آنچه موجب تمایز این دو رویکرد از یکدیگر می‌شود، نقش هدف ارتباطی است که هر کدام از اجزاء متن ایفا می‌کنند. در روش بالا‌به‌پایین، قدم اول از هدف ارتباطی برداشته می‌شود اما در روش پایین‌به‌بالا، هدف ارتباطی در آخرین قدم تعیین می‌شود (بایبر<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۷).

1. ganj.irandoc.ac.ir

2. Ackland

3. Biber



برای مثال، استفاده از عبارتی نظیر «هدف از این پژوهش...» نشانگر حرکت بلاغی «هدف» است. در پژوهش فعلی، از روش بالابه‌پایین و بررسی ساختار معنایی برای مشخص کردن حرکت‌های بلاغی استفاده شد.

کوچکترین واحد برچسب‌زنی، جمله در نظر گرفته شد که در برخی موارد خاص تا سطح گروه نحوی نیز تقلیل داده شد. این موارد، شامل حالت‌هایی می‌شد که ۲ یا حتی ۳ حرکت بلاغی در یک جمله‌ی واحد قرار داده شده بودند. برای نمونه می‌توان به مورد زیر اشاره کرد:

<P-M> «شیوه‌ی بازنمایی جنس دستوری، نوع مقوله‌ی آن، صورت بی‌نشان آن، تعداد جنس‌های دستوری و رابطه‌ی بین جنس دستوری و طبیعی، مواردی هستند که در این پژوهش توصیفی - تحلیلی به آنها پرداخته شده است.»

در جمله‌ی بالا، حرکت «هدف» (P) با خط نازک و حرکت «روش» (M) با خط درشت نشان داده شده است که در یک جمله با یکدیگر تلفیق شده‌اند.

برچسب‌زنی با علائم اختصاری معرفی شده در جدول ۱ انجام گرفت. برچسب‌ها در داخل نماد <> و در ابتدای جمله‌ی آغازگر حرکت بلاغی قرار گرفتند. دامنه‌ی حرکت برچسب‌خورده تا وقوع برچسبی دیگر تعیین شد. همان‌طور که در مثال قبل نشان داده شد، حرکت‌هایی که ماهیت تلفیقی داشتند و در قالب یک جمله نمود پیدا کرده بودند با برچسب‌های تلفیقی نشان داده شدند که با علامت خط تیره (-) از یکدیگر جدا شده بودند. از آنجا که دامنه‌ی برچسب‌های بلاغی بیش از یک جمله را می‌توانست شامل شود، عموماً هر چکیده فاقد برچسب‌های تکراری بود. تنها استثنایی که در این مورد وجود داشت، مواردی بود که حرکت‌های چکیده به‌صورت چرخه‌ای تکرار شده بودند. برای نمونه می‌توان به گزیده‌چکیده‌ی زیر اشاره کرد:

<P> در این پایان‌نامه، پس از بررسی مدل توربین بادی، عیوب متداول در توربین بادی و روش‌های تشخیص و شناسایی عیب، به تشخیص آنالاین عیوب حس‌گر سرعت روتور، سرعت ژنراتور و گشتاور ژنراتور توربین بادی پرداخته شده است. <M> برای تشخیص این عیوب از بانک رویتگرهای ورودی ناشناخته استفاده شده است. رویتگر ورودی ناشناخته، یکی از روش‌های تولید مانده با تأکید بر مجزا نمودن اغتشاش است. در این روش به کمک مدل سیستم در معرض اغتشاش، بانکی از رویتگرها طراحی می‌شود که به وسیله‌ی آنها، سیگنال‌های مانده تولید شود. <P> در این پایان‌نامه، همچنین مکانیزمی جهت رفع اثرات منفی ناشی از ظهور عیب در سیستم طراحی شده است. <M> در این مکانیزم، پس از شناسایی زمان و مکان وقوع عیب، با استفاده از سیگنال آشکارسازی عیب و تخمین حالت‌ها، پارامترهای کنترل‌کننده طوری تغییر داده می‌شوند که اثرات منفی ناشی از ظهور عیب در سیستم جبران شود.»

در نمونه‌ی فوق، هدف پژوهش در دو بخش مجزا ذکر شده و برای هر بخش روش آن توضیح داده شده است. بنابراین، پس از بیان یکی از اهداف، روش آن بیان شده، سپس هدف دیگر بیان شده و پس از آن روش هدف دوم ذکر شده است. در این‌گونه روایت‌های چرخه‌ای، برچسب‌ها بیش از یک بار استفاده شده‌اند.

### ۴-۳- تعیین الگوهای حرکتی

تعیین الگوهای حرکتی به دو شیوه انجام گرفت. در شیوه‌ی نخست، بسامد نسبی حرکت‌ها صرف‌نظر از جایگاه‌شان در چکیده به‌دست آمد. به این ترتیب، فراوانی حرکت‌های بلاغی برای هر ۶ رشته ثبت و درصد آن محاسبه شد. به‌منظور متمایز کردن حرکت‌های متداول از حرکت‌های اختیاری در رشته‌ها، نیاز بود تا آستانه‌ای برای متمایز کردن حرکت‌های متداول و اختیاری تعیین شود. بر اساس یک الگوی از پیش موجود (ژوزف<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۴؛ ابالخیل<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵)، حرکت‌هایی با رخداد بین ۵۱ و ۹۹ درصد جزو حرکت‌های متداول، و زیر ۵۰٪ به‌عنوان حرکت‌های اختیاری تعریف شدند. برای هر یک از رشته‌ها، این بسامدها محاسبه و در جدولی درج شدند.

در شیوه‌ی دوم از تعیین الگوی حرکتی، الگوی توالی حرکت‌ها در چکیده‌های هر رشته به‌دست آمد. تفاوت این شیوه با شیوه‌ی قبلی در آن است، که در حالت قبل بسامد حرکت‌ها در چکیده محاسبه می‌شود و صرفاً وجود، عدم وجود و بسامد یک حرکت بخصوص مدنظر است. اما در شیوه‌ی دوم، بسامد حرکت‌ها در جایگاه‌های حرکتی مدنظر است تا الگوی توالی آنها با حالت ایده‌آل که در مدل هایلند به‌صورت I-P-M-Pr-C است سنجیده شود. به این ترتیب، در هر یک از جایگاه‌های حرکتی اول، دوم، سوم، ... بسامد حرکت‌های غالب معین شد و در نهایت الگوی توالی حرکت‌های عمده در چکیده‌های رشته‌ی موردنظر به‌دست داده شد. چنانچه که جایگاه متوالی دوم در مقایسه با جایگاه قبل، دارای بیشترین بسامد حرکتی از نوع حرکت جایگاه قبل می‌شد، برای جلوگیری از تکرار حرکت قبلی در جایگاه دوم، پربسامدترین حرکت بعدی برای جایگاه دوم مدنظر قرار گرفته می‌شد.

دلیل استفاده از شیوه‌ی دوم تحلیل علاوه بر شیوه‌ی نخست، این استدلال بود که شیوه‌ی دوم یعنی استخراج الگوی توالی حرکت‌ها، تصویر کلان‌تری از سازماندهی و همنشینی حرکت‌ها در چکیده‌ی رشته‌ها به‌دست می‌دهد. در واقع، این تصویر کلان، بازنمودی از میزان گرایش رشته‌های مختلف به سازماندهی حرکت‌ها طبق استانداردها و الگوهای متعارف نظری (در اینجا مدل هایلند) خواهد بود.

### ۵- تحلیل داده‌ها

#### ۵-۱- اطلاعات آماری داده‌های پیکره

همان‌طور که در بخش روش پژوهش بیان شد، در گردآوری داده‌های پژوهش، از هر رشته‌ی علمی ۴۰ چکیده انتخاب شدند. با این حال برای ارائه‌ی جزئیات بیشتر از داده‌های تحلیل‌شده، تعداد واژه‌های کل چکیده‌ها به ازای هر رشته محاسبه شدند. همچنین تعداد پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری نیز مشخص شدند. نکته‌ی اساسی در اینجا این است که تعداد واژه‌های چکیده‌ها اصولاً تأثیری در شمار پرجسب‌های بلاغی ندارد و صرفاً به‌منظور ذکر جزئیات ارائه شده‌اند. زیرا همان‌طور که در فصل پیش نیز به

1. Joseph  
2. Abaalkhail

آن اشاره شد، دامنه‌ی یک برچسب بلاغی می‌تواند چندین جمله را (تا آغاز برچسب بلاغی دیگر) دربرگیرد که این امر موجب می‌شود حرکت‌های همسان بلاغی که متوالی هستند یک برچسب واحد تلقی شوند. اطلاعات آماری پیکره پژوهش در جدول ۲ جمع‌بندی شده است.

جدول ۲: اطلاعات آماری پیکره به تفکیک رشته‌ها

رشته	تعداد کلمات چکیده	تعداد پایان‌نامه ارشد	تعداد رساله دکتری	دانشگاه‌ها
برق	۱۱۸۰۸	۳۰	۱۰	صنعتی اصفهان ۱۱، تبریز ۸، صنعتی شیراز ۳، تربیت مدرس ۳، صنعتی خواجه نصیر ۳، یزد ۲، صنعتی شاهرود ۲، کاشان ۲، بیرجند ۱، ملایر ۱، تربیت معلم سبزوار ۱، صنعتی و فناوری پیشرفته کرمان ۱، شیراز ۱، فردوسی مشهد ۱
مکانیک	۱۳۰۹۳	۳۲	۸	کاشان ۷، فردوسی مشهد ۷، محقق اردبیلی ۵، صنعتی اصفهان ۴، خواجه نصیر ۳، تربیت مدرس ۳، هرمزگان ۲، صنعتی بابل ۱، امام خمینی قزوین ۱، تربیت دبیر شهید رجایی ۱، بیرجند ۱، شهید چمران ۱، پژوهشگاه مواد و انرژی ۱، یزد ۱، شهرکرد ۱، اراک ۱
شیمی	۱۱۲۷۷	۲۵	۱۵	فردوسی مشهد ۱۰، علوم پایه زنجان ۴، پیام نور تهران ۴، یزد ۲، دامغان ۲، کاشان ۲، محقق اردبیلی ۲، مازندران ۲، بیرجند ۲، سیستان و بلوچستان ۲، ولیعصر رفسنجان ۱، زنجان ۱، یاسوج ۱، تربیت مدرس ۱، رازی ۱، صنعتی خواجه نصیر ۱، الزهرا ۱، شهرکرد ۱
فیزیک	۱۱۴۱۲	۳۲	۸	علوم پایه زنجان ۸، تبریز ۴، محقق اردبیلی ۳، اراک ۳، پیام نور فارس ۲، تربیت مدرس ۲، کاشان ۱، زنجان ۱، صنعتی اصفهان ۱، لرستان ۱، فردوسی مشهد ۱، باهنر کرمان ۱، دامغان ۱، شهید چمران ۱، هرمزگان ۱، اصفهان ۱، صنعتی شاهرود ۱، بوعلی سینا ۱، قم ۱، تحصیلات تکمیلی کرمان ۱، گیلان ۱، بیرجند ۱
زبان‌شناسی	۱۰۸۰۹	۳۴	۶	پیام نور تهران ۱۰، فردوسی مشهد ۸، سمنان ۴، تربیت مدرس ۳، الزهرا ۳، علامه طباطبایی ۲، شیراز ۲، پژوهشگاه علوم انسانی ۲، باهنر کرمان ۲، سیستان و بلوچستان ۱، رازی ۱، اصفهان ۱، محقق اردبیلی ۱
فلسفه	۱۰۹۷۰	۳۳	۷	تبریز ۶، زنجان ۶، اصفهان ۵، فردوسی مشهد ۴، تربیت

مدرس ۴، الزهرا ۳، قم ۳، پیام نور تهران ۲، شهید مدنی آذربایجان ۲، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ۱، ملایر ۱، علامه طباطبایی ۱، امام خمینی قزوین ۱، پژوهشگاه علوم انسانی ۱				
--	--	--	--	--

بررسی اطلاعات جدول ۲ نشان می‌دهد که کمینه‌ی مجموع کلمات چکیده‌های رشته‌ها ۱۰۹۷۰ واژه برای رشته‌ی فلسفه و بیشینه‌ی آن ۱۳۰۹۳ واژه برای رشته‌ی مکانیک است. به‌طور کلی تعداد واژه‌های چکیده‌های شاخه‌ی علوم انسانی در هر یک از دو رشته‌ی فلسفه و زبان‌شناسی کمتر از رشته‌های دو شاخه‌ی دیگر بوده‌اند. همچنین بررسی نسبت پایان‌نامه‌ها نشان می‌دهد که اکثر چکیده‌ها متعلق به پایان‌نامه کارشناسی ارشد بوده‌اند.

#### ۲-۵- تحلیل رشته‌ی فلسفه

مشخصه‌ی بارزی که در چکیده‌های رشته‌ی فلسفه مشاهده می‌شود، استفاده‌ی کمتر از نشانگرهای زبانی و عناصر انسجام متنی برای تمایز حرکت‌های بلاغی است. بنابراین، عمده‌ی اتکای تحلیلگر برای شناسایی حرکت‌های بلاغی به مؤلفه‌ی معنایی بوده است. این عدم نشانگذاری صریح ابهاماتی را در برچسب‌زنی حرکت‌های مختلف و تمایز آنها از یکدیگر موجب شد. برای مثال، غالباً تمییز دادن حرکت <I> از <Pr> دشوار بود. در واقع تحلیلگر با این مشکل مواجه می‌شد که حرکت مورد تحلیل در حال ارائه‌ی اطلاعات زمینه <I> است یا نتایج پژوهش <Pr> را بیان می‌کند. این مشکل در تشخیص بین حرکت <Pr> و <C> نیز گاهی به چشم می‌خورد.

برچسب‌های اختصاص یافته به هر یک از ۴۰ چکیده‌ی رشته‌ی فلسفه به‌صورت الگوی زیر قابل

جمع‌بندی است:

#	Move				
1	I	P	Pr	C	P
2	I	Pr			
3	M-	-P	Pr	C	
4	I	M-	-P	Pr	
5	P	M-	-Pr		
6	I	P	P-	-Pr	
7	I	Pr			
8	I	P	Pr	P	M
9	I	P	Pr	Pr-	-C
10	I-	-P	I	P	
11	I	C	P		
12	P	I	Pr		
13	I	Pr	C	Pr	P
14	I	C	Pr		
15	Pr				

16	P	Pr				
17	I	Pr	P			
18	I	P	Pr	Pr-	-C	C
19	I	P	Pr			
20	I	Pr	P			
21	I	Pr	C			
22	I	Pr	P			
23	P	Pr	M-	-Pr	Pr	
24	P	Pr				
25	I	P				
26	P	Pr	C			
27	I	Pr				
28	P	I	P			
29	I	Pr	M-	-Pr	C	
30	I	Pr				
31	I	Pr				
32	P	Pr				
33	I	Pr				
34	I	P	M	Pr		
35	I	Pr	C			
36	I	Pr	C			
37	I	Pr	P	M		
38	P	M	Pr			
39	I	P	Pr	P		
40	I	Pr				

ترتیب رنگی حرکتهای بلاغی طبق الگوی هایلند

شکل ۱: نمودار طیفی حرکتهای بلاغی رشته‌ی فلسفه

بررسی نمودار طیفی حرکتهای در شکل ۱ نشان می‌دهد که کمینه تعداد حرکتهای استفاده شده در چکیده‌ها ۱ حرکت و بیشینه‌ی آن ۶ حرکت بوده است. بررسی فراوانی حرکتهای بلاغی در چکیده‌های رشته‌ی فلسفه در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: فراوانی و درصد رخداد حرکتهای بلاغی در چکیده‌های رشته‌ی فلسفه

I	P	M	Pr	C
۳۱	۲۷	۹	۳۶	۱۲
۷۷٪	۶۷٪	۲۲٪	۹۰٪	۳۰٪

با توجه به اطلاعات جدول ۳ حرکتهای بلاغی «مقدمه»، «هدف» و «نتیجه» با درصدهایی بیش از آستانه‌ی مرزی ۵۰٪ جزو حرکتهای متداول در چکیده‌های رشته‌ی فلسفه محسوب می‌شوند. دو حرکت «روش» و «نتیجه‌گیری» نیز با درصدهایی کمتر از آستانه‌ی مرزی، جزو حرکتهای متداول این رشته

محسوب نمی‌شوند. این نتایج کمی با آنچه از بررسی کیفی و محتوایی چکیده‌های فلسفه به‌دست می‌آیند، همخوانی دارد. چکیده‌های مورد بررسی در رشته‌ی فلسفه فاقد اشاره‌ی صریح و روشن به روش پژوهش هستند. این موضوع شاید ناشی از این واقعیت است که اکثر پژوهش‌های رشته‌ی فلسفه ماهیت کتابخانه‌ای دارند و پژوهشگر با علم به این پیش‌فرض (که عمدتاً حالت کلیشه‌ای به خود می‌گیرد) نیازی به بازگویی روش پژوهش نمی‌بیند. همچنین در چکیده‌های رشته‌ی فلسفه، حرکت بلاغی «نتیجه‌گیری» بعد از حرکت «روش» کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. این موضوع نیز می‌تواند نشان‌دهنده‌ی این باشد که پژوهش‌های فلسفی به‌دلیل ماهیت عموماً نظری‌شان، دغدغه‌ی پیامدها و کاربردهای پژوهش خود در جهان واقع را ندارند. بیشترین فراوانی حرکت‌های متداول به‌ترتیب شامل «نتایج» سپس «مقدمه» و در نهایت «هدف» می‌شود. بنابراین طبق نتایج به‌دست آمده، چکیده‌های فلسفه گرایش بیشتری برای ارائه‌ی اطلاعات مربوط به نتایج پژوهش نسبت به دیگر اطلاعات گفتمانی هستند.

پس از مشخص‌شدن فراوانی حرکت‌های بلاغی در چکیده‌های رشته‌ی فلسفه، پی‌بردن به توالی متداول این حرکت‌ها نیز می‌تواند سودمند باشد. اینکه در چکیده‌های رشته‌ی فلسفه، پژوهشگران حرکت‌های بلاغی را عمدتاً با چه توالی و ترتیبی سازمان می‌دهند. با بررسی شکل ۱ مشخص می‌شود که «مقدمه» در حرکت اول بیشترین بسامد (۷۲٪) را دارد. در جایگاه دوم شاهد حضور بیشترین بسامد (۵۴٪) برای حرکت «نتایج» هستیم. در جایگاه سوم نیز بسامد حرکت «نتایج» بیش از سایر حرکت‌هاست و پس از آن حرکت غیرتکراری «هدف» بیشترین بسامد (۲۸٪) را در همین جایگاه دارد. در جایگاه چهارم، مجدداً بیشترین بسامد حرکتی از آن حرکت «نتایج» است. در مجموع، الگوی غالب برای چکیده‌های رشته‌ی فلسفه را می‌توان به‌صورت زیر جمع‌بندی کرد:

### I Pr P

### ۳-۵- تحلیل رشته‌ی زبان‌شناسی

بررسی چکیده‌های رشته‌ی زبان‌شناسی نشان می‌دهد که از نشانگرهای زبانی برای مشخص‌کردن حرکت‌های بلاغی به‌خوبی استفاده شده است. بنابراین شناسایی حرکت‌ها با دشواری خاصی همراه نبوده و کمتر از روش معنایی و بالاب‌پایین برای شناسایی مرز حرکت‌ها استفاده شده است. برچسب‌های اختصاص یافته به هر یک از ۴۰ چکیده‌ی رشته‌ی زبان‌شناسی به‌صورت الگوی زیر قابل جمع‌بندی است:

#	Move						
1	I	M-	-P	M	Pr		
2	P	M	I	P	M	Pr	C
3	P	I	P	Pr			
4	I	P	M	Pr			
5	I	P	M	Pr			
6	P	I	M	Pr	M	Pr	C
7	P	I-	-P	M	Pr		
8	P	P-	-M	M	Pr		

9	P	M	Pr							
10	P	M	Pr	C						
11	P	M	M-	-Pr						
12	I-	-M-	-P	I	P	M	Pr	C		
13	I	P	M	Pr						
14	P	M	Pr							
15	I	P	M	Pr						
16	P-	-M	M	Pr						
17	M-	-P	I	M	Pr					
18	P	M	P	M	Pr	C				
19	P	M-	-Pr	Pr						
20	P	M	Pr	M	Pr					
21	I	P	M	Pr						
22	I	P	Pr	C						
23	I	P	M	P	M	Pr	M			
24	I	M-	-P	I	P	M	Pr			
25	I	P	Pr							
26	P	I	P	M	Pr					
27	P	M	Pr							
28	I	P	M	Pr						
29	I-	-P	P	M	Pr					
30	P	M	P	Pr						
31	P	M	Pr							
32	P	M-	-P	M	Pr	Pr-	-C	Pr		
33	I	P-	-M	P	Pr	C	Pr			
34	I	P	M	Pr						
35	I	P-	-M	M	Pr					
36	P	M	Pr	C	Pr-	-C	C	Pr-	-C	
37	P	M-	-P	P	M	Pr				
38	I	M	P-	-M	C					
39	P	M	Pr							
40	I	P	M	Pr						

ترتیب رنگی حرکت‌های بلاغی طبق الگوی هایلند

شکل ۲: نمودار طیفی حرکت‌های بلاغی رشته‌ی زبان‌شناسی

بررسی نمودار طیفی حرکت‌ها در شکل ۲ نشان می‌دهد که کمینه تعداد حرکت‌های استفاده شده در چکیده‌ها ۳ حرکت و بیشینه‌ی آن ۹ حرکت بوده است. فراوانی حرکت‌های بلاغی در چکیده‌های رشته‌ی فلسفه در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴: فراوانی و درصد رخداد حرکت‌های بلاغی در چکیده‌های رشته‌ی زبان‌شناسی

I	P	M	Pr	C
۲۴	۴۰	۳۷	۳۹	۱۰
۶۰٪	۱۰۰٪	۹۲٪	۹۷٪	۲۵٪

با توجه به اطلاعات جدول ۴ حرکت‌های بلاغی «مقدمه»، «هدف»، «روش» و «نتیجه» با درصدهایی بیش از آستانه‌ی مرزی ۵۰٪، جزو حرکت‌های متداول در چکیده‌های رشته‌ی زبان‌شناسی محسوب می‌شوند. حرکت «نتیجه‌گیری» نیز با داشتن درصد کمتر از آستانه‌ی مرزی، جزو حرکت‌های متداول این رشته محسوب نمی‌شوند. چکیده‌های مورد بررسی در رشته‌ی زبان‌شناسی (در تقابل با چکیده‌های رشته‌ی فلسفه) اشاره‌ی صریحی به روش پژوهش دارند. اگرچه برخی پژوهش‌های رشته‌ی زبان‌شناسی ماهیت کتابخانه‌ای دارند، اما کم نیستند پژوهش‌هایی که از روش‌های آزمایشگاهی و میدانی برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش استفاده می‌کنند و در نتیجه نیاز به ذکر جزئیات روش مورد استفاده دارند. در چکیده‌های رشته‌ی زبان‌شناسی نیز (همانند چکیده‌های رشته‌ی فلسفه) حرکت بلاغی «نتیجه‌گیری» دارای بسامد پایینی است. این موضوع نیز می‌تواند نشان‌دهنده‌ی تمایل کمتر پژوهش‌های زبان‌شناختی به بیان پیامدها و کاربردهای پژوهش باشد. بیشترین فراوانی حرکت‌های متداول به‌ترتیب شامل «هدف» سپس «نتایج» سپس «روش» و در نهایت «مقدمه» می‌شود.

اطلاعات شکل ۲ همچنین برای به‌دست‌دادن توالی حرکت‌ها در چکیده‌های رشته‌ی زبان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفتند. در جایگاه نخست، دو حرکت «مقدمه» و «هدف» دارای بیشترین فراوانی نسبت به دیگر حرکت‌ها هستند. از میان این دو حرکت، «هدف» بیشترین بسامد را (۵۲٪) به خود اختصاص داده است. در جایگاه دوم از شکل ۲، حرکت «روش» بیشترین بسامد را دارد (۵۰٪). در جایگاه سوم حرکتی، بسامد حرکت‌ها از بیشتر به کمتر عبارت است از «روش» (۳۷٪)، «هدف» (۳۰٪) و «نتایج» (۲۷٪). طبق این آمار، حرکت غیرتکراری در جایگاه سوم، حرکت «نتایج» است. در جایگاه چهارم، حرکت «نتایج» بیشترین بسامد (۴۱٪) را دارد. پس از آن حرکت «روش» با ۳۲٪ فراوانی رتبه دوم جایگاه را به خود اختصاص داده است. بنابراین با ساده‌سازی الگوی توالی حرکت‌های در چکیده‌های زبان‌شناسی می‌توان به توالی زیر دست یافت:

**P M Pr**

در واقع می‌توان گفت، در چکیده‌های زبان‌شناسی ارائه‌ی هدف پژوهش و سپس روش پژوهش و در نهایت نتایج حاصل‌شده، متداول‌ترین الگوی بلاغی برای سازمان‌دهی چکیده‌هاست.

#### ۵-۴- تحلیل رشته‌ی شیمی

در برچسب‌دهی حرکت‌ها در چکیده‌های رشته‌ی شیمی نیز مشکل حادی در شناسایی مرز حرکت‌ها وجود نداشت. در چکیده‌های این رشته گاهی از برخی نشانگرهای زبانی برای شناسایی مرز حرکت‌ها استفاده شد و



گاهی (در صورت عدم وجود چنین نشانگرهایی) از محتوای معنایی حرکات‌ها استفاده شد. شکل ۳ نمودار طیفی حرکات‌های بلاغی در چکیده‌های رشته‌ی شیمی را نشان می‌دهد.

#	Move																	
1	P	M																
2	P	M	Pr	M	Pr	M	Pr	M	Pr	M	Pr	M						
3	I	P-	-M	M														
4	Pr																	
5	P-	-M	P-	-M	P-	-M												
6	I	P	M															
7	P	I	P-	-M	Pr													
8	P	M	Pr															
9	I	P	M	Pr	P	M	Pr	P	M	Pr								
10	M	Pr	M	Pr	M	Pr												
11	P	M	Pr	P	M	Pr	C											
12	I-	-P-	-M	M	Pr	M	Pr											
13	P	M	Pr															
14	P	M	Pr															
15	I	P	M-	-Pr	Pr													
16	P-	-M	I	M	Pr													
17	I	P-	-M	Pr	P-	-M	M	Pr	M	Pr								
18	P	M	Pr															
19	I	P																
20	I	P	M	Pr														
21	P	M	Pr	C														
22	P	M	Pr															
23	P	M	Pr	M	Pr	M	Pr											
24	P	M	Pr	M	Pr	M	M-	-Pr	M	Pr								
25	M	Pr	M-	-Pr	M													
26	P	M	I	M														
27	P																	
28	P-	-M	Pr	P	Pr	M-	-P	C	Pr	M-	-P	Pr						
29	P	M	Pr	P-	-M	M	Pr	P-	-M	M								
30	M-	-P	M	Pr	M	Pr												
31	I	P	M	Pr														
32	P	M	Pr	C														
33	M-	-Pr	C															
34	P	M	M-	-Pr														
35	I	P	M															
36	I	P	M	P	I	M	P	M	Pr	C								
37	Pr-	-M	M	P	M													
38	I-	-P	M															
39	M	Pr	C	Pr	M	Pr	P	M	Pr	C	P	M	Pr	C	M	Pr	M	Pr
40	P-	-M	M	Pr														

ترتیب رنگی حرکات‌های بلاغی طبق الگوی هایلند

شکل ۳: نمودار طیفی حرکات‌های بلاغی رشته‌ی شیمی

بررسی شکل ۳ اطلاعات در خور توجهی را در اختیار قرار می‌دهد. بررسی کلی نمودار نشان می‌دهد که حرکات‌های بلاغی در چکیده‌های شیمی نسبت به دو رشته‌ی زبان‌شناسی و فلسفه، از تراکم بیشتری برخوردارند. این موضوع می‌تواند نشان‌دهنده‌ی تعداد بیشتر حرکات‌های بلاغی در چکیده‌های شیمی باشد. شمارش تعداد حرکات‌ها در چکیده‌ها این مسئله را تأیید می‌کند. کمینه‌ی حرکات‌های بلاغی ۱ واحد و بیشینه‌ی آن در چکیده‌های شیمی ۱۸ واحد به‌دست می‌آید. افزایش تعداد حرکات‌ها در چکیده‌های یک رشته به آن معناست که بسیاری از حرکات‌ها به‌صورت مکرر به‌کار رفته‌اند. بررسی کیفی چکیده‌های شیمی نشان

می‌دهد که شیوه‌ی سازماندهی حرکت‌ها در این رشته به‌گونه‌ای است که بسیاری از حرکت‌ها به‌صورت رفت و برگشتی و تکراری ارائه می‌شوند. به‌عبارت دیگر، برخلاف گرایش غالب در چکیده‌های رشته‌ی زبان‌شناسی و فلسفه، در چکیده‌های شیمی به‌عنوان مثال اطلاعات مربوط به حرکت «روش» به‌صورت یکباره و در قالب یک حرکت واحد ارائه نمی‌شود بلکه به‌صورت تناوبی و منقطع عرضه می‌شود. یکی از دلایل شیوه‌ی متفاوت ارائه‌ی اطلاعات حرکت‌ها این می‌تواند باشد که اکثر پژوهش‌های رشته‌ی شیمی ماهیت آزمایشگاهی دارند و در اغلب موارد چندین آزمایش برای مطالعه‌ی یک پدیده انجام می‌شود. در نتیجه، ارائه‌ی روش همه‌ی آزمایش‌ها به‌صورت یکجا چندان معقول به‌نظر نمی‌رسد، بنابراین پژوهشگر ناچار است روش آزمایش اول و نتایج آن را بیان کند و سپس روش آزمایش دوم و نتایج آن و روش آزمایش‌های بعدی را به همین ترتیب ارائه کند.

تمام حرکت‌های بلاغی پنجگانه در چکیده‌های رشته‌ی شیمی مشاهده می‌شود. جدول ۵ فراوانی و درصد حرکت‌های بلاغی در رشته‌ی شیمی را نشان می‌دهد.

جدول ۵: فراوانی و درصد رخداد حرکت‌های بلاغی در چکیده‌های رشته‌ی شیمی

I	P	M	Pr	C
۱۵	۳۶	۳۷	۳۱	۷
۳۷٪	۹۰٪	۹۲٪	۷۷٪	۱۷٪

داده‌های جدول ۵ نشان می‌دهد که دو حرکت «مقدمه» و «نتیجه‌گیری» با داشتن بسامدی زیر بسامد آستانه (۵۰٪) جزو حرکت‌های بلاغی متداول چکیده‌های رشته‌ی شیمی محسوب نمی‌شوند. در مقابل، حرکت‌های «روش»، «هدف» و «نتایج» به‌ترتیب بیشترین تا کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند و جزو حرکت‌های متداول این رشته محسوب می‌شوند. این داده را می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که ارائه‌ی اطلاعات زمینه‌ی درباره‌ی مسئله‌ی پژوهش و نیز ذکر پیامدها یا کاربردهای پژوهش در چکیده‌های شیمی متداول نیستند.

مرحله‌ی بعد، تعیین توالی حرکت‌ها در چکیده‌های رشته‌ی شیمی است. جایگاه نخست حرکتی در چکیده‌های شیمی اختصاص به حرکت «هدف» با ۵۲٪ فراوانی است. جایگاه دوم اختصاص به حرکت «روش» دارد که دارای ۵۳٪ فراوانی است. در جایگاه سوم، مجدداً حرکت «روش» بیشترین فراوانی (۵۰٪) را دارد و پس از آن، حرکت «نتایج» با ۳۸٪ فراوانی رتبه‌ی دوم جایگاه را دارد. بنابراین حرکت پرسامد غیرتکراری در جایگاه سوم، حرکت «نتایج» است. در مجموع، می‌توان توالی زیر را به‌عنوان توالی متداول برای حرکت‌های بلاغی رشته‌ی شیمی ارائه داد:

**P M Pr**

## ۵-۵- تحلیل رشته‌ی فیزیکی

فرآیند برچسب‌زنی حرکت‌های بلاغی در چکیده‌های رشته‌ی فیزیکی نیز همانند رشته‌های دیگر هم بر اساس نشانگرهای زبانی و هم بر اساس اطلاعات معنایی صورت گرفت. شکل ۵ نمودار طیفی حرکت‌های برچسب‌خورده برای همه‌ی ۴۰ چکیده‌ی رشته‌ی فیزیکی را نشان می‌دهد.

#	Move											
1	I	P	I	P								
2	I	P	M	Pr								
3	M-	-P	I	M	Pr	P	M	Pr	P	M	Pr	
4	P											
5	P	Pr										
6	P	M	P	M	Pr	M	Pr	M	Pr	C		
7	P	M	Pr	M	Pr	C						
8	I	P	M	Pr								
9	I	P	M									
10	P	M	Pr									
11	I	P	M	Pr								
12	I	M-	-P									
13	I	P	M	Pr								
14	I	P	M	Pr								
15	P	M	Pr									
16	Pr											
17	I	P	M	Pr	C							
18	I	P	M	Pr								
19	I											
20	I	P	M	Pr	C							
21	I	P	Pr	M-	-P							
22	P	M	Pr									
23	I	M-	-P	Pr								
24	P	M	Pr									
25	I	P	M	Pr								
26	I	P	M	Pr	P	Pr	P	Pr				
27	P	M	Pr	M	Pr	P	Pr	P	Pr			
28	P	Pr	M	C								
29	P	Pr	M									
30	M	Pr-	-C	M	Pr	M	Pr	M	C			
31	I	P	M	Pr								
32	I	P	Pr	C	M							
33	P	M	Pr	M	Pr							
34	I	M-	-P	Pr								
35	M-	-P	M	Pr								
36	I	P	M									
37	I	P	Pr									
38	I	M-	-P	M	Pr							
39	P	M	M-	-P								
40	M	Pr	M	Pr	C							

ترتیب رنگی حرکت‌های بلاغی طبق الگوی هایلند

شکل ۴: نمودار طیفی حرکت‌های بلاغی رشته‌ی فیزیکی

بررسی اطلاعات شکل ۴ نشان می‌دهد حرکت‌های بلاغی در رشته‌ی فیزیک تراکم کمتری نسبت به رشته‌ی شیمی دارند. کمینه‌ی حرکت‌ها در چکیده‌های رشته‌ی فیزیک یک واحد و بیشینه‌ی آن ۱۱ واحد است. همچنین تمامی پنج حرکت مدل هایلند نیز در چکیده‌های این رشته مشاهده می‌شود. جدول ۶، فراوانی و درصد حرکت‌های بلاغی در چکیده‌های رشته‌ی فیزیک را نشان می‌دهد.

جدول ۶: فراوانی و درصد رخداد حرکت‌های بلاغی در چکیده‌های رشته‌ی فیزیک

I	P	M	Pr	C
۲۳	۳۶	۳۴	۳۳	۸
۵۷٪	۹۰٪	۸۵٪	۸۲٪	۲۰٪

بر اساس فراوانی حرکت‌ها در جدول ۶، حرکت «نتیجه‌گیری» فراوانی کمتر از حد آستانه را دارد و جزو حرکت متداول چکیده‌های فیزیک محسوب نمی‌شود. حرکت‌های «هدف»، «روش»، «نتایج» و «مقدمه» به ترتیب دارای بیشترین تا کمترین فراوانی هستند و جزو حرکت‌های متداول این رشته محسوب می‌شوند. این نتایج نشان می‌دهد که الگوی حرکت‌های متداول فیزیک و شیمی در موارد «هدف»، «روش» و «نتایج» مشابه هستند. بررسی داده‌های شکل ۴ نشان می‌دهد در چکیده‌های رشته‌ی فیزیک نیز همانند رشته‌ی شیمی، تکرار حرکت‌ها به صورت متناوبی مرسوم است که به طور خاص غالباً در مورد حرکت‌های «روش» و «نتایج» و گاهی نیز «هدف» صادق است. دلیل این موضوع نیز همانند رشته‌ی شیمی، به دلیل استفاده از چندین آزمایش و نیاز به بیان روش‌ها- نتایج به طور منفک و مجزا از هم می‌باشد. برای به دست آوردن توالی متداول حرکت‌ها در چکیده‌های رشته‌ی فیزیک، فراوانی هر کدام از حرکت‌ها در جایگاه‌های حرکتی محاسبه شد. در جایگاه اول، حرکت «مقدمه» با ۵۵٪ فراوانی غالب بود. جایگاه دوم با ۵۱٪ فراوانی به حرکت «هدف» اختصاص داشت. در جایگاه سوم نیز حرکت «روش» با ۵۰٪ فراوانی، حرکت غالب بود. در جایگاه چهارم، حرکت «نتایج» با ۵۵٪ فراوانی حرکت غالب محسوب می‌شود. در جمع‌بندی می‌توان توالی متداول برای حرکت‌های پرسامد در رشته‌ی فیزیک را به صورت زیر نشان داد:

#### I P M Pr

مشاهده می‌شود که الگوی P M Pr همانند چکیده‌های زبان‌شناسی و شیمی، در چکیده‌های رشته‌ی فیزیک نیز توالی عمده محسوب می‌شوند. علاوه بر آن، حرکت مقدمه نیز در چکیده‌های این رشته جزو توالی متداول حرکتی است. بنابراین، در چکیده‌های فیزیک ترتیب متداول برای حرکت‌های بلاغی این است که ابتدا مقدمه‌ای از مسئله‌ی مورد بررسی بیان شود، سپس هدف و بعد روش پژوهش بیان شده و نتایج ارائه شوند.

## ۶-۵- تحلیل رشته‌ی مهندسی برق

هنگام برچسب‌زنی حرکت‌های بلاغی در چکیده‌های رشته‌ی برق، همانند رشته‌ی فیزیک، از دو نوع نشانگرهای زبانی و معنایی برای تشخیص مرز میان حرکت‌ها استفاده شد. بررسی برچسب‌های استفاده شده نشان می‌دهد که تنها ۴ نوع حرکت (I, P, M, Pr) در چکیده‌های رشته‌ی برق مشاهده می‌شوند و این چکیده‌ها فاقد حرکت «نتیجه‌گیری» (C) هستند.

#	Move									
1	I	P	M	P	M	Pr-	-M			
2	I	Pr	M							
3	I	P-	-M	M	Pr	P	M	P	Pr	
4	I	P	M	Pr						
5	I	Pr	M	Pr						
6	I	P-	-M	M						
7	I	P	I	Pr-	-M	Pr	M			
8	I	Pr	M							
9	P	M	Pr							
10	I	P	M	Pr						
11	I									
12	I	P	Pr							
13	I	P-	-M	Pr						
14	P	M								
15	I	P	M							
16	M	Pr	M-	-Pr						
17	I	P-	-M	M	Pr					
18	I									
19	I	P	M	Pr						
20	P	Pr								
21	P-	-M								
22	I	P								
23	P	M								
24	I	P	M	Pr						
25	I	P								
26	P	I	M	Pr						
27	I									
28	I	M-	-P							
29	I	P	M	Pr						
30	I	P	M	Pr						
31	I	P	M	Pr						
32	I	P	M	Pr						
33	I	P	M	Pr	M-	-P	Pr			
34	P	M	Pr	M						
35	I	P	Pr	P						
36	I	P	Pr							
37	P	Pr	M	M-	-Pr					
38	I	P	M	Pr	P	M	Pr			
39	I	P	M	Pr						
40	I	P-	-M	I						

ترتیب رنگی حرکت‌های بلاغی طبق الگوی هایلند

شکل ۵: نمودار طیفی حرکت‌های بلاغی رشته‌ی مهندسی برق

بررسی شکل ۵ نشان می‌دهد که چکیده‌های رشته‌ی برق دارای تراکم حرکتی کمتری نسبت به رشته‌ی فیزیک و شیمی هستند. کمینه‌ی تعداد حرکت‌ها در چکیده‌های این رشته، ۱ واحد و بیشینه‌ی آن ۹ واحد است. جدول ۷، فراوانی و درصد حرکت‌های بلاغی در چکیده‌های رشته‌ی مهندسی برق را نشان می‌دهد.

جدول ۷: فراوانی و درصد رخداد حرکت‌های بلاغی در چکیده‌های رشته‌ی مهندسی برق

I	P	M	Pr	C
۳۲	۳۳	۳۱	۲۸	۰
۸۰٪	۸۲٪	۷۷٪	۷۰٪	٪

بر اساس اطلاعات جدول ۷، حرکت‌های متداول رشته‌ی مهندسی برق (به‌ترتیب فراوانی) عبارتند از حرکت «هدف» (۸۲٪)، «مقدمه» (۸۰٪)، «روش» (۷۷٪)، و «نتایج» (۷۰٪). حرکت «نتیجه‌گیری» نیز در چکیده‌های این رشته مشاهده نشد. طبق الگوهای حرکتی شکل ۵، به‌نظر می‌رسد حرکت‌های بازگشتی در چکیده‌های رشته‌ی برق الگوی غالب نیستند، اگرچه چند مورد حرکت بازگشتی در ابتدا و انتهای چکیده‌های شکل ۵ مشاهده می‌شود.

بررسی دیداری اطلاعات طیفی در شکل ۵ همچنین نشان می‌دهد که حرکت‌های «مقدمه»، «هدف» و «روش» به‌ترتیب توالی‌های متداول در جایگاه‌های حرکتی اول، دوم و سوم چکیده‌های رشته‌ی برق هستند. بررسی فراوانی حرکت‌ها در جایگاه اول نشان می‌دهد حرکت «مقدمه» با ۷۷٪ فراوانی، حرکت غالب در این جایگاه است. در جایگاه دوم، حرکت «هدف» دارای ۶۵٪ فراوانی است که حرکت غالب در این جایگاه محسوب می‌شود. در جایگاه سوم نیز حرکت «روش» با ۷۷٪ درصد فراوانی، حرکت غالب محسوب می‌شود. حرکت «نتایج» نیز با ۶۷٪ فراوانی، حرکت غالب در جایگاه چهارم محسوب می‌شود. بنابراین، توالی متداول حرکت‌ها در چکیده‌های رشته‌ی مهندسی برق به‌صورت زیر است:

**I P M Pr**

#### ۷-۵. تحلیل رشته‌ی مهندسی مکانیک

برچسب‌دهی حرکت‌های بلاغی در چکیده‌های رشته‌ی مهندسی مکانیک نیز مشابه رشته‌ی مهندسی برق انجام شد. حرکات به‌صورت تلفیقی و با استفاده از نشانگرهای معنایی و واژگانی برچسب‌دهی شدند. بررسی برچسب‌های مورد استفاده نشان می‌دهد که هر پنج برچسب تعریف‌شده برای حرکات بلاغی در چکیده‌های این رشته به‌کار رفته است. با این حال، کمترین تعداد حرکات بلاغی مربوط به حرکت «نتیجه‌گیری» است. شکل ۶ نمودار طیفی حرکات بلاغی در چکیده‌های رشته‌ی مهندسی مکانیک را نشان می‌دهد.

#	Move									
1	I	P	M	Pr						
2	I	P-	-M	P	Pr	P	Pr	P	Pr	
3	I	P	M	Pr						
4	I	P	Pr	P	M	P	Pr	M		
5	I	P-	-M	M	Pr					
6	P	M	Pr							
7	I	P	M	Pr	P	Pr				
8	I	P	M	Pr						
9	I	P	M	Pr						
10	P	I	M	Pr	M	Pr				
11	I	M-	-P-	-Pr						
12	I	P	M	Pr						
13	P	Pr	P-	-M	Pr	P	M			
14	P	M	Pr	P	Pr	C				
15	I	P	M	Pr						
16	P	M	Pr							
17	I	P	M							
18	P	M	Pr							
19	P	Pr	M	Pr	M	Pr				
20	P	M	Pr							
21	P-	-M	M							
22	I	P	Pr	M	Pr					
23	I	P	M	Pr						
24	I	P	M	Pr						
25	I	P	M	Pr						
26	I	P	M	Pr						
27	I	M-	-P	Pr						
28	I	P	Pr	P	C					
29	P	M	Pr							
30	P	M	Pr							
31	P	M	Pr							
32	I	P-	-M	M	M-	-P				
33	I	M-	-P	M	M-	-Pr	M			
34	P	M	Pr	C						
35	I	P	M	Pr						
36	I	P	Pr	M						
37	I	P	M	Pr						
38	P									
39	P	M								
40	I	P	M	Pr						

ترتیب رنگی حرکت‌های بلاغی طبق الگوی هایلند  
 شکل ۶: نمودار طیفی حرکت‌های بلاغی رشته‌ی مهندسی مکانیک

بررسی شکل ۶ نشان می‌دهد که تراکم حرکت‌های بلاغی در رشته‌ی مهندسی مکانیک کمابیش همانند رشته‌ی مهندسی برق است و حرکت‌ها از تراکم بالایی برخوردار نیستند. کمینه‌ی واحد حرکت‌های بلاغی، ۱ واحد و بیشینه‌ی آن ۹ واحد است. حرکت‌های یک‌واحدی و دو واحدی هر کدام تنها در یک چکیده مشاهده شده‌اند و اکثر حرکت‌ها شامل حرکت‌های ۳ واحدی و بالاتر هستند. جدول ۸ فراوانی و درصد حرکت‌های بلاغی در چکیده‌های رشته‌ی مهندسی مکانیک را نشان می‌دهد.

جدول ۸: فراوانی و درصد رخداد حرکت‌های بلاغی در چکیده‌های رشته‌ی مهندسی مکانیک

I	P	M	Pr	C
۲۶	۴۰	۳۸	۳۵	۳
۶۵٪	۱۰۰٪	۹۵٪	۸۷٪	۷٪

بر اساس اطلاعات جدول ۸، حرکت «نتیجه‌گیری» به دلیل فراوانی اندک آن، جزو حرکت‌های متداول چکیده‌های رشته‌ی مهندسی مکانیک محسوب نمی‌شود. در عوض، حرکت‌های «هدف»، «روش»، «نتایج» و «مقدمه» به ترتیب بیشترین تا کمترین فراوانی را به عنوان حرکت‌های متداول این رشته دارند. فراوانی کم حرکت «مقدمه» نیز نشان می‌دهد که این حرکت با وجود متداول بودن، نسبت به حرکت‌های دیگر نقش حاشیه‌تری دارد.

با بررسی شکل ۶ می‌توان در نگاه کلی دریافت که حرکت‌ها در چکیده‌های رشته‌ی مهندسی مکانیک همانند رشته‌ی برق توزیع نسبتاً منظمی در جایگاه‌های حرکتی دارند و جایگاه‌های ۱ تا ۴ را حرکت‌های «مقدمه»، «هدف»، «روش» و «نتایج» نشان می‌دهند. با شمارش فراوانی حرکت‌ها در هر یک از جایگاه‌های مزبور مشخص می‌شود که حرکت «مقدمه» با ۶۲٪ فراوانی حرکت غالب در جایگاه نخست محسوب می‌شود. در جایگاه دوم، حرکت «هدف» با اختصاص ۵۶٪ برچسب‌ها به خود، حرکت غالب است. جایگاه سوم نیز با ۵۵٪ فراوانی به حرکت «روش» اختصاص دارد. در نهایت، حرکت «نتایج» با ۶۲٪ فراوانی حرکت غالب در جایگاه چهارم است. بنابراین، توالی متداول حرکت‌ها به صورت زیر است:

**I P M Pr**

## ۶- بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی ساختار گفتمانی شش رشته‌ی علمی از ۳ شاخه‌ی فنی مهندسی، علوم انسانی و علوم پایه پرداخته شد. پیکره‌ی داده‌ها متشکل از ۲۴۰ چکیده‌ی برگرفته از پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها بود که ساختار بلاغی آنها بر اساس مدل پنج‌حرکتی هایلند برچسب‌دهی شد. در ابتدای این طرح پژوهشی، دو پرسش به عنوان مسئله‌ی محوری این پژوهش مطرح شدند که عبارت بودند از: الف) حرکت‌های بلاغی در



چکیده‌ی پایان‌نامه‌های رشته‌های علوم انسانی، فنی و علوم پایه کدام‌اند؟ (ب) ساختار بلاغی چکیده‌ی پایان‌نامه‌ها در رشته‌های علوم انسانی، فنی و علوم پایه دارای کدام مؤلفه‌های مشترک و متمایزند؟ یافته‌های حاصل از تحلیل پیکره‌ی پژوهش نشان می‌دهد که می‌توان دو نوع بازنمود از حرکت‌های بلاغی به‌دست داد: نوع اول، بسامد نسبی حرکت‌های غیرتکراری در چکیده‌های یک رشته است. در این نوع بازنمود، جایگاه و توالی حرکت‌ها در نظر گرفته نمی‌شوند و صرفاً حضور یا عدم حضور حرکت‌ها مدنظر هستند. در نوع دوم از بازنمود، که در انتهای تحلیل هر یک از رشته‌ها ارائه شد، فراوانی حرکت‌ها در جایگاه‌های حرکتی اول تا پنجم بررسی شد که الگویی خطی و متوالی از آنها به‌دست می‌دهد. در واقع در این بازنمایی اخیر، الگوی توالی حرکت‌ها به‌دست آمد. با توجه به این دو نوع تحلیل، می‌توان حرکت‌های متداول و الگوی توالی‌های متداول در هر یک از شش رشته‌ی مورد بررسی را به‌صورت جدول ۹ نشان داد.

جدول ۹: حرکت‌های متداول و الگوی توالی حرکت‌ها در هر یک از رشته‌های مورد تحلیل

رشته	فلسفه	زبان‌شناسی	فیزیک	شیمی	مهندسی برق	مهندسی مکانیک
حرکت‌های متداول	Pr I P	P Pr M I	I P M Pr	M P Pr	P I M Pr	P M Pr I
الگوی توالی حرکت‌ها	I Pr P	I P M Pr	I P M Pr	P M Pr	I P M Pr	I P M Pr

نکته‌ای که در سازمان‌دهی اطلاعات در جدول ۹ وجود دارد این است که حرکت‌های فهرست شده در قسمت «حرکت‌های متداول» به‌ترتیب از پربسامد تا کم‌بسامد (چپ به راست) فهرست شده‌اند، در حالی که حرکت‌های فهرست شده در بخش «الگوی توالی حرکت‌ها» بر اساس توالی حرکت‌ها در چکیده‌ها فهرست شده‌اند. بررسی اطلاعات جدول ۹ در هر یک از دو بازنمود توصیف‌شده نشان می‌دهد که حرکت‌های «مقدمه» - «هدف» - «روش» - «نتایج» یا (I P M Pr) متداول‌ترین حرکت‌ها در رشته‌های مهندسی مکانیک، مهندسی برق، فیزیک و زبان‌شناسی است. حرکت‌های متداول در رشته‌ی شیمی، به‌صورت P M Pr مشاهده می‌شود. در مورد رشته‌ی فلسفه نیز، حرکت‌های I P Pr به‌عنوان حرکت‌های متداول شناسایی شدند.

در پاسخ به پرسش دوم پژوهش، اطلاعات جدول ۹ نشان می‌دهد که در سطح تحلیلی نخست، حرکت‌های P M Pr در همه‌ی رشته‌های بررسی‌شده به استثناء رشته‌ی فلسفه یکسان است. بنابراین می‌توان الگوی P M Pr را الگوی حرکتی مشترک در بین تمامی رشته‌های مورد بررسی دانست. در سطح دوم تحلیل، حرکت‌های بلاغی I P M Pr بیشترین اشتراک حرکتی را در رشته‌ها، به‌غیر از دو رشته‌ی شیمی و فلسفه، دارند. همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، طبق داده‌های بررسی‌شده، در رشته‌ی شیمی استفاده از حرکت «مقدمه» مرسوم نیست. رشته‌ی فلسفه نیز با فقدان حرکت «روش»، بیشترین تمایز حرکتی را با سایر رشته‌ها دارد. بنابراین در جمع‌بندی می‌توان گفت که چکیده‌های رشته‌ی شیمی با نداشتن حرکت «مقدمه» و چکیده‌های رشته‌ی فلسفه با نداشتن حرکت «روش» با دیگر رشته‌ها متمایز می‌شوند.

با توجه به الگوهای حرکتی به دست آمده برای هر یک از شش رشته‌ی بررسی‌شده، این سؤال جانبی ممکن است پیش آید که آیا می‌توان الگوی حرکتی بخصوصی را برای هر یک از سه شاخه‌ی علمی فنی‌مهندسی، علوم پایه و علوم انسانی متصور شد؟ البته این پرسش، این موضوع را پیش‌فرض می‌انگارد که همه‌ی رشته‌های علوم انسانی، از ماهیت و خصوصیات یکسانی برخوردارند، در حالی که می‌تواند چنین نباشد. برای مثال اگرچه رشته‌های روان‌شناسی و فلسفه هر دو معمولاً جزو رشته‌های علوم انسانی تلقی می‌شوند، اما روش‌شناسی رشته روانشناسی معمولاً آزمایشگاهی است، حال آنکه فلسفه بیشتر از روش‌های غیرآزمایشگاهی و تحلیلی استفاده می‌کند. بنابراین پاسخ به پرسش مذکور، با مدنظر قراردادن این محدودیت و پیش‌انگاشت خواهد بود.

به‌طور کلی و بر اساس داده‌های تحلیل‌شده در این پژوهش، می‌توان گرایش رشته‌های مهندسی را از رشته‌های علوم پایه متمایز کرد. به این صورت که در رشته‌های مهندسی، گرایش به الگوی چکیده‌نویسی I P M Pr است، در حالی که در رشته‌های علوم پایه، گرایش به الگوی P M Pr است. اگر چه در جدول ۹، الگوی حرکتی برای رشته‌ی فیزیکی I P M Pr درج شده است، اما بررسی فراوانی این حرکت‌ها حکایت از آن دارد که حرکت «مقدمه» دارای کمترین بسامد در داده‌ها بوده و با سه چکیده اختلاف جزو حرکت متداول برای این رشته محسوب شده و بنابراین احتمالاً بتوان از آن به‌نفع ارائه‌ی الگویی کلان‌تر چشم‌پوشی کرد. این تمایز الگویی می‌تواند در قالب تبیینات متعددی تفسیر گردد. عدم تمایل به ذکر حرکت «مقدمه» در چکیده می‌توان بدان معنی باشد که نویسنده احساس نیاز نمی‌کند اطلاعات زمینه‌ای پژوهش و تشریح موقعیت آن نیاز را به اطلاع خواننده برساند. این موضوع می‌تواند ناشی از حاکم‌بودن گفتمان تخصصی و درون‌رشته‌ای نیرومند در رشته‌ی مورد نظر باشد که اطلاعاتی نظیر مقدمه‌چینی بافت و موقعیت پژوهش را اطلاعات زائد می‌انگارد. تفسیرهای دیگر ارائه‌شده از این تفاوت، نقش عامل خبرگی را در این میان دخیل می‌داند. برای مثال در پژوهشی که به بررسی حرکت‌های بلاغی در چکیده‌های پایان‌نامه‌ها و مقالات پژوهشی پرداخته است (رن و لی، ۲۰۱۱)، پژوهشگران نتیجه گرفته‌اند نویسندگان خبره از الگوی P M Pr و نویسندگان مبتدی از الگوی I P M Pr C برای نگارش چکیده استفاده می‌کنند. نویسندگان خبره با حذف حرکت‌های «مقدمه» و «نتیجه‌گیری» بر نقش ترغیبی چکیده‌ها تأکید می‌کنند و نویسندگان مبتدی با پیروی از الگوی کامل حرکتی، بر نقش آگاهاننده چکیده‌ها تأکید می‌کنند.

در شاخه‌ی علوم انسانی، الگوی حرکتی دو رشته‌ی زبان‌شناسی و فلسفه نیز متفاوت هستند. الگوی حرکتی رشته‌ی زبان‌شناسی همانند دیگر رشته‌ها به صورت الگوی I P M Pr است، حال آنکه الگوی رشته‌ی فلسفه به صورت I P Pr است. به نظر می‌رسد به دلیل غیرآزمایشگاهی بودن فرآیند پاسخدهی به پرسش‌ها در رشته‌ی فلسفه، بیان حرکت «روش» از سوی نویسنده فاقد ضرورت احساس می‌شود. چنانچه هدف ارائه‌ی دستورالعملی تجویزی برای چکیده‌نویسی تخصصی باشد و با علم به اینکه چکیده‌ها دارای کارکرد اطلاعاتی

در سامانه‌های اطلاعاتی و بازیابی اطلاعات هستند، رویکرد تجویزی می‌تواند حکم به گنجاندن این اطلاعات در چکیده‌های رشته‌ی فلسفه بدهد. بنابراین با افزودن حرکت «روش» به چکیده‌های رشته‌ی فلسفه، می‌توان کلان‌الگوی I P M Pr را برای رشته‌ی علوم انسانی برگزید. از سوی دیگر، اگر بخواهیم الگوی به‌دست‌آمده برای تک‌تک رشته‌ها را به رسمیت بشناسیم، ساده‌سازی الگوی حرکتی رشته‌ها در قالب یک کلان‌الگوی جامع می‌تواند منجر به حذف اطلاعاتی شود که مختص ژانر و خصیصه‌ی تمایزدهنده‌ی رشته‌ها از یکدیگر هستند. بنابراین، طبق این رویکرد دوم، الگوی حرکتی رشته‌ی فلسفه متفاوت از رشته‌ی زبان‌شناسی و فاقد حرکت «روش» توصیف می‌شود.

در این پژوهش دو رشته از هر شاخه‌ی علمی مورد بررسی قرار گرفت که در مجموع منجر به تحلیل چکیده‌های ۶ رشته شد. یکی از موارد این پژوهش که در پژوهش‌های آتی می‌تواند بهبود یابد، افزایش دامنه‌ی رشته‌های مورد بررسی در همه‌ی شاخه‌های علمی است. این موضوع از آن جهت حایز اهمیت است که هم تصویر روشن‌تری از الگوی حرکت‌های بلاغی درون شاخه‌ای به‌دست می‌دهد و هم الگوهای حرکتی بیشتری را برای رشته‌های مختلف علمی به‌دست می‌دهد. همچنین افزایش تعداد چکیده‌ها در تحلیل می‌تواند منجر به الگوهای حرکتی پالایش‌یافته‌تر و دقیق‌تر شود.

## منابع

- شعبانی، احمد؛ عسگری، عصمت؛ همایی، رضا و سعادت، رسول (۱۳۹۰)، بررسی میزان انطباق چکیده‌ی فارسی پایان‌نامه‌های دوره‌ی دکتری عمومی دانشگاه علوم پزشکی اراک با استانداردهای چکیده‌نویسی، (ISO 214)، مدیریت اطلاعات سلامت، ۸ (۳)، ۳۸۲-۳۹۴.
- فرقدان، سمیه (۱۳۸۷)، بررسی میزان انطباق چکیده مقالات فصلنامه‌ی گنجینه‌ی اسناد با استاندارد چکیده‌نویسی ایزو ۲۱۴، فصلنامه‌ی گنجینه‌ی اسناد، ۷۲، ۸۱-۸۶.
- وزیرپور کشمیری، مهرداد و سده‌هی، مریم (۱۳۹۰)، مطالعه میزان رعایت استانداردهای بین‌المللی ایزو در چکیده‌های فارسی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد کتابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال و علوم و تحقیقات از سال ۱۳۸۰-۱۳۸۶، فصلنامه دانش‌شناسی، ۴ (۳)، ۸۷-۱۰۱.
- Abaalkhail, A. (2015), Rhetorical Moves in an Occluded Genre: A Qualitative Analysis of Suicide Notes. MA thesis, Carlton University, Ottawa.
- Ackland, G. M. (2009), A Discourse Analysis of English and French Research Article Abstracts in Linguistics and Economics. San Diego, CA: Montezuma Publishing.
- Behnam, B. and Golpour, F. (2014), A genre analysis of English and Iranian research articles abstracts in applied linguistics and mathematics. International Journal of Applied Linguistics & English Literature, 3(5), 173-179.
- Bhatia, V. K. (1994), Analyzing Genre: Language Use in Professional Setting. London: Longman.

- Bhatia, V. K. (1997), Introduction: Genre analysis and world Englishes. *World Englishes*, 16(3), 313-319.
- Biber, D., Upton, T., & Connor, U. (2007), *Discourse on the Move: Using Corpus Analysis to Describe Discourse Structure*. Amsterdam: John Benjamins Publishing.
- Bruce, I. (2009), Results sections in sociology and organic chemistry articles: A genre analysis. *English for Specific Purposes*, 28(2), 105-124.
- Crystal, D. (2003), *A Dictionary of Linguistics and Phonetics* (fifth ed.). Blackwell.
- Esfandiari, R. (2014), Realization of Rhetorical moves and verb tense variation in two sub-disciplines of computer sciences: Artificial intelligence and architecture. *International Journal of Language Learning and Applied Linguistics World*, 5(2), 564-573.
- Ghasemi, T. and Alavi, S. Mohammad. (2014), Theses Abstracts Written by Iranian MA Students of TEFL and English Literature. *Online International Journal of Arts and Humanities*, 3(1), 5-15.
- Huckin, T. (2006), Abstracting from abstracts. In M. Hewings (ed.), *Academic Writing in Context* (93-103). London: Continuum .
- Hyland, K. (2000), *Disciplinary Discourses: Social Interactions in Academic Writing*. London: Longman.
- Joseph, R., Lim, J. M. H., & Nor, N. A. M. (2014), Communicative moves in forestry research introductions: Implications for the design of learning materials. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 134, 53-69.
- Lores, R. (2004), On RA abstracts: from rhetorical structure to thematic organization. *English for Specific Purposes*, 23, 280-302.
- Maswana, S., Kanamaru, T., and Tajino, A. (2015), Move analysis of research articles across five engineering fields: What they share and what they do not. *Ampersand*, 2, 1-11.
- Mohammadi Darabad, A. (2016), Move analysis of research article abstracts: A cross-disciplinary study. *International Journal of Linguistics*, 8(2), 125-140.
- NISO – National Information Standards Organization, R2015. Available at: <http://www.niso.org/home> .
- Pho, P. D. (2008), Research article abstracts in applied linguistics and educational technology: a study of linguistic realizations of rhetorical structure and authorial stance. *Discourse Studies*, 10(2), 231-250.
- Ren, H., and Li Y. (2011), A comparison study on the rhetorical moves of abstracts in published research articles and master's foreign-language theses. *English Language Teaching*, 4, 162-166.
- Saeew, S. and Tangkiengsirisin, S. (2014), Rhetorical variation across research article abstracts in environmental science and applied linguistics. *English Language Teaching*, 7(8), 81-93.
- Santos, M. (1996), The text organization of research papers abstracts in applied linguistics. *Text*, 16(4), 481-499.
- Suntara, W. and Usaha, S. (2013), Research abstracts in two related disciplines: Rhetorical variation between linguistics and applied linguistics. *English Language Teaching*, 6(2), 84-99.
- Swales, J. (1990), *Genre Analysis: English in Academic and Research Setting*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Swales, J. M. (2004), *Research Genres: Explorations and Applications*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Tessuto, G. (2015), Generic structure of rhetorical moves in English-language empirical law research articles: Sites of interdisciplinary and interdiscursive cross-over. *English for Specific Purposes*, 37, 13-26.